

13/03/2010

حمید انوری

احمدی نژاد در کابل

Ahmedij Nejad: I have Initiative for Afghanistan
احمدی نژاد: برای افغانستان ابتکاراتی دارم...

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور غیر قانونی جمهوری اسلامی ایران طی یک سفر یک روزه به تاریخ دهم مارچ 2010 به کابل آمد و مهمان حامد کرزی رئیس جمهور غیر قانونی جمهوری اسلامی افغانستان بود. وی از این سفر یک روزه خویش حد اعظم استفاده تبلیغاتی نموده و از تربیون آزاد افغانستان به دشمنان آخند های ایرانی تاخت و نسخه آشی راکه در تهران و قم تهیه دیده بود ، در قصر ریاست جمهوری افغانستان پخت و بخورد کرزی و دنباله روانش داد. حامد کرزی در حالی آش تند و داغ آخند احمدی نژاد را نوش جان میکرد که دود چشمانش را کور کرده بود و داغی و تندگی (آش رشته) آخندی گلویش را به شدت سوختانده بود و اشک از چشمانش جاری بود. قدرت تکلم از کرزی سلب گردیده بود و احمدی نژاد مرتب آش بیشتری در کاسه وی میریخت و در دل به او می خندید. احمدی نژاد در حالیکه در خانه خود آش بریده نمی تواند و هر اعتراضی را با گلوله و زندان و اعدام جواب میگوید و به شدت خلق های آزاده ایران زمین را بصورت سیستماتیک و گسترده ای سرکوب میکند و یک حکومت تازیانه و دار را در آن مرز و بوم برپا داشته است، در کابل به شدت تقلا کرد تا سیمیان ببرد و از " ابتکارت " خود سخن گوید. از یاد نبریم که حامد کرزی اولین فردی بود که ریاست جمهوری را به این مرد متقلب و فریبکار تبریک گفت ، در حالیکه در همان زمان از در و دیوار ایران خون میریخت ، و احمدی نژاد هم فکر میکنم اولین اگر نبوده باشد ، دومین کسی بود که ریاست جمهوری کرزی را در دور دوم تبریک گفت ، در حالیکه هنوز او رئیس جمهور نبود و بیشتر از یک میلیون رای باطل اعلان گردیده بود. این دو متقلب هر دو دوستان نزدیک اند و هر از گاهی همدیگر را در آغوش می کشند و به دیگران چنگ و دندان نشان میدهند. اما با جرأت میتوان گفت که کرزی یا بگفته احمدی نژاد (کرزای) هر گز قادر نیست تا از تربیون آخند های ایرانی بسوی دشمنانش سنگ پرتاب کند. آخند های ایرانی در 30 سال حکمرانی خود بر سرزمین پهناور ایران، بخوبی آموخته اند تا به هیچ کس اجازه ندهند از آدرس آنها و از تربیون آنها بردستان استراتژییک شان تاخت و تازه نموده و حتی از طریق تربیون آنها به دوستان شان گفته شود که به اصطلاح بالای چشم شان ابروست. اما زمانیکه همچو فرد معلوم الحالی به کابل می آید و میتواند آزادانه هر چه دل تنگش خواست بگوید، چرا نگوید؟ آخر ملک بی بازخواست است و یک عده افراد مقرب به ریاست جمهوری افغانستان از نمایندگان تام الاختیار آخند های ایرانی اندو هر آنچه آخند ایرانی گفت بگو ، میگویند. این افراد از معاونین ریاست جمهوری کشور گرفته تا ولسی جرگه و مشرانو جرگه و وزارت خانه ها و سفارت ها.....، در ارتباط تنگاتنگ با آخند های ایرانی قرار دارند و از آنجا تمویل میگرددند و به هر ساز شان میرقصند. اینها را هرگز غم مردم و آبروی ملت نیست و فقط به جیب های خود می اندیشند و کرزی هم مهره در دست آنهاست . احمدی نژاد با دیده درانی بی نظیری داد سخن داده و از مبارزه با تروریسم و طروق رسیدن به هدف سخن گفت و از " ابتکارتی " در زمینه صحبت کرد و از دستگیری رهبر گروه جندالله " عبدالملک ریگی " یاد آور شد که بدون خونریزی و عملیات مسلحانه دستگیر شد و.....، اما احمدی نژاد هم خوب میدانند و مردم دنیا هم که در دستگیری " عبدالملک ریگی " دستان دراز سازمان های جاسوسی چندین کشور به شمول پاکستان و امریکا و اسرائیل دخیل بود و این صرف یک معامله پشت پرده داد و گرفت بود که گذشت زمان آنها را به اثبات میرساند. از جانب دیگر این عمل سازمان های جاسوسی و استخبارتی و ربودن طیاره حامل " ریگی " به همکاری آنان و فرود آوردن آن در خاک ایران، مخالف تمام نورم های قبول شده بین المللی بوده و خود یک عمل تروریستی محسوب میشود. ((..... رئیس جمهور ایران در پاسخ به این پرسش که منظور مقامهای ایرانی در مورد اظهار این موضوع که آقای ریگی به افغانستان سفر کرده، چه بوده، گفت "داستان آقای ریگی هیچ ارتباطی با افغانستان ندارد ". احمدی نژاد افزود: "این را من به صراحت

دپانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

بگویم که (داستان آقای ریگی) هیچ ارتباطی ندارد نه به دولت افغانستان و نه به ملت افغانستان. او از طرف کسانی حمایت می شوند که بدخواه ایران و افغانستان هستند و هم بدخواه ملت پاکستان". ((این در حالیست که مقامات ایرانی قبل از سفر احمدی نژاد به کابل، عکس هائی مشکوکی را به نمایش گذاشتند که گویا "ریگی" را در یک پایگاه نظامی امریکائی ها در افغانستان نشان میداد و همچنان اسناد مشکوک تر از آن را نمایش دادند که ارتباط "ریگی" را با استخبارات افغانستان برملا می ساخت. اما احمدی نژاد با دیده درائی ذاتی خود همه را انکار کرده گفت: ((در دستگیری عبدالمالک ریگی دستگاههای اطلاعاتی پاکستان و "به خصوص افغانستان" همکاری کردند.)) یعنی افغانستان را نیز شامل این توطئه ننگین ساخت. میگویند "کل اگر طیب بودی، سر خود دوا نمودی". "ریاست خاد رژیم کرزی حتی قادر نیست جلو حملات مسلحانه و انتحاری را در قلب شهر کابل بگیرد، چه رسد به آنکه با کشور های خارجی همکاری اطلاعاتی و استخباراتی داشته باشد. از اینها که بگذریم و نیز بگذریم از اینکه احمدی نژاد به آدرس دوستان بین المللی حامد کرزی از تربیون خود وی چگونه چنگ و دندان نشان داد و از این هم بگذریم که کرزی خاموشانه به سفسطه پراگنی های احمدی نژاد سر شور میداد، لازم به یاد آوری است که چند روز قبل از مسافرت احمدی نژاد به کابل، مقامات مسؤول افغان اعلان کردند که سه هزار (3000) افغان در ایران محکوم به مرگ اند و بزودی اعدام میشوند. این سه هزار افغان از جمله چهار هزار زندانی افغان در ایران اند که گویا بجرم قاچاق مواد مخدر زندانی اند. جناب کرزی حتی شهادت آنها نداشت تا جویای احوال این چهار هزار افغان دربدر که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران در بدترین وضعیت بسر برده و هر روز و هر ساعت و هر دقیقه زیر لت و کوب و توهین و تحقیر پولیس وحشی جمهوری اسلامی ایران قرار دارند، میگردید و از همان تربیون که احمدی نژاد مغرورانه به متحدین بین المللی کرزی و شرکا مشت و دندان نشان میداد، خواهان استرداد هموطنان مظلوم ما میگردید و وی را در همان تربیون وامی داشت تا دست از آزار و اذیت هموطنان رنج دیده و آواره و سرگردان ما در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بردارد و بر فرزندان مهاجرین افغان حق تحصیل قائل گردد. کرزی باید با قاطعیت از احمدی نژاد میخواست تا از کشتار، رد مرز کردن و دستگیری و لت و کوب مهاجرین به بهانه های مختلف دست بردارد. ".... روز دوشنبه 10 فبروری، پنج افغان در منطقه زابل در سیستان و بلوچستان ایران به ضرب گلوله پلیس ایران کشته شدند." اما نه وزارت خارجه کابل و نه هم کرزی هرگز در مورد پرسشی بعمل نیاوردند. البته این کشتار نه اولین کشتار افغانها در خاک ایران بود و نه هم آخرین خواهد بود و هر ازگاهی هم جوانان افغان در قلمرو جمهوری اسلامی ایران یا به ضرب گلوله پلیس و بسیج و پاسداران جمهوری آخذی ایران کشته میشوند و یا هم به جرم واهی قاچاق مواد مخدره به دار آویخته میشوند، اما بازخواست گری نیست که به حال آن مظلومان دل بسوزاند. مقامات مسؤول در کابل و بطور اخص حامد کرزی دوست جاناجانی احمدی نژاد باید از مداخلات پیدا و پنهان نظامی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی آخذند های ایرانی در کشور ما پرده برمیداشت و در همان تربیون آزاد مداخلات بیشرمانه آخذند های ایرانی در امور داخلی افغانستان را محکوم مینمود و از آنها میخواست دست از توطئه چینی بردارند و سیاست "هم به میخ زدن و هم به نعل زدن" یعنی یک "سیاست دوگانه" را در پیش گرفتن و هم از طالبان حمایت کردن و هم از حکومت کابل، به نفع شان نیست و ره بجائی نمی برد. اما کرزی کجا و این شهادت کجا و این دلسوزی به مردم مظلوم افغانستان کجا. و اما احمدی نژاد ها باید بدانند که دست درازی و دست بازی و مداخله های پیدا و پنهان رنگارنگ در امور داخلی افغانستان، هرگز به نفع آخذند های ایرانی نیست و بجز سیاهروئی و ذلت چیزی برای شان به ارمغان نخواهد آورد و اینرا تاریخ بار بار به اثبات رسانیده است. سرزمین افغانستان هرگز و در هیچ مقطع از تاریخ پر از فراز و نشیب خود به بیگانه سر فرود نیاورده است و همیشه و همیشه مقاوم و سرافراز زیسته است، حال تفاوتی ندارد که آن بیگانه کی باشد و از کجا و به کدام رنگ و شمایل و کدام دین و مذهب و از کدام درآمده باشد، افغانستان در طول تاریخ، هست و بود و افتخارات خویشرا مدیون خونهای پاک فرزندان برومند خویش بوده است که در پای نهال آزادی و آزادگی و شرافت و سربلندی میهن شان، بی محابا ریخته اند و فرزندان شانرا درس آزادی و آزادگی آموخته اند. احمدی نژاد ها باید بدانند که:

با سنگ روزگار سر پر غرور ما

صد بار خون چکان شد و یکبار خم نشد